بزرگنمایی و دهشت‌افکنی، شگردهای تبلیغی داعش

یک فرانسوی نجات‌یافته از چنگ تکفیری‌ها، شیوه‌های تبلیغی این گروه تروریستی را افشا کرد

نیکولاس هنین
مترجم: عاطفه رضوان نیا

به‌عنوان یک فرانسوی که به ملیت خود افتخار می‌کند، سال ۲۰۱۵ به اندازه هر فرد دیگری از رویدادهای تروریستی پاریس آشفته شده بودم. اما باور این رویدادها برای من کار سختی نبود. من گروه داعش را می‌شناسم. من ۱۰ ماه گروگان این گروه بودم و به قطعیت می‌دانم که دردهای ما، غم و اندوه ما، امیدهای ما و زندگی ما هیچ اثری روی آنها ندارد. دنیای آنها زمین تا آسمان با دنیای ما متفاوت است.

شناخت اکثریت مردم از داعش از طریق تبلیغات پر سر و صدا (پروپاگاندا) که از سوی آنها منتشر می‌شود، است. اما من پشت صحنه این تبلیغات را دیده‌ام. مدت زمانی که اسیر آنها بودم، با ده‌ها نفر از آنها شامل «محمد اموازی» یا «جان جهادی» ملاقات کردم. جان جهادی یکی از زندانبان‌های من بود. او مرا «کچل» صدا می‌کرد. حتی همین الان هم با بعضی از آنها از طریق رسانه‌های اجتماعی گفت‌وگو می‌کنم و می‌توانم با قطعیت به شما بگویم که هر آنچه شما از آنها می‌دانید و هر فکری که درباره آنها در ذهن شما شکل می‌گیرد همه ناشی از فعالیت تبلیغی و بازاریابی آنهاست که نام آنها را این گونه بر سر زبان‌ها انداخته است.

آنها جلوی دوربین، خودشان را ابرقهرمان معرفی می‌کنند، اما به محض دور شدن از دوربین از هر لحاظ که فکرش را بکنید وضعیت‌شان رقت‌بار و اسفناک است: آنها تعدادی بچه خیابانی هستند که قدرت و ایدئولوژی مست‌شان کرده است. در زبان فرانسوی ما یک اصطلاح داریم که می‌گوید طرف نه تنها احمق است بلکه شرور هم هست. اما من متوجه شدم که اعضای داعش بیشتر از آنکه شرور باشند، احمق هستند. منظورم این است که نباید پتانسیل بالای حماقت را در واداشتن این افراد به جنایت کم اهمیت شمرد. زندانبان‌های ما، من و خیلی از آنها که سر بریده شدند، با ما یک بازی بچگانه انجام می‌دادند که در واقع شکنجه روانی بود. آنها یک روز می‌آمدند و می‌گفتند فردا آزاد می‌شوید؛ دو هفته بعد می‌آمدند و با شادی می‌گفتند «فردا یکی از شما کشته می‌شود». یکی دو بار اول حرفشان را باور کردیم ولی بعداً فهمیدیم که آنها احمق‌هایی هستند که با این کارها سرگرم می‌شوند. آنها هرازگاه صحنه‌های تمسخرآمیزی از اعدام را راه می‌انداختند. یکبار من را با کلروفورم بیهوش کردند. یک بار دیگر یک صحنه سر بریدن را راه انداختند. یک گروه از آنها که به زبان فرانسوی صحبت می‌کردند، فریاد می‌زدند: «امروز می‌خواهیم سرتان را ببریم و روی باسن‌تان بگذاریم و در یوتیوب منتشر کنیم.» یک شمشیر بسیار قدیمی هم داشتند که انگار از یک مغازه آنتیک فروشی تهیه کرده‌بودند. آنها می‌خندیدند و من هم نقش خودم را در این بازی با فریاد کشیدن ایفا می‌کردم. آنها واقعاً از این حرکت من خوششان می‌آمد و سرگرم شده بوده بودند. اما به محض اینکه ما را ترک می‌کردند رو به گروگان دیگری که او هم فرانسوی بود می‌کردم و هر دو می‌زدیم زیر خنده. واقعاً موقعیت تمسخرآمیزی بود.

آنها بشدت به تکنولوژی مسلط هستند. اخبار را با ولع خاصی دنبال می‌کنند، اما چیزها را آن‌طوری می‌بینند که می‌خواهند. آنها تحت آموزش‌های سخت مذهبی هستند و بشدت به همه نوع تئوری توطئه پایبندند و در این میان هرگز به تناقضات اعتراف نمی‌کنند. همه چیز آنها را متقاعد می‌سازد که در مسیر درست هستند. آنها معتقدند که هم‌اکنون یک فرایند آخرالزمانی در جریان است که در نهایت به مواجهه ارتش مسلمانان و کفار - صلیبیون و رومی ها - در جهان خواهد انجامید. آنها معتقدند که همه چیز در این جهان دارد ما را به این مسیر هدایت می‌کند.

> داعشی‌ها بشدت به تکنولوژی مسلط هستند. اخبار را با ولع خاصی دنبال می‌کنند، اما چیزها را آن‌طوری می‌بینند که می‌خواهند

علاقه آنها به رسانه‌های اجتماعی و اخبار باعث می‌شود که پیوسته در جریان پیامدهای حملات تروریستی خود باشند. بعد از حمله به پاریس، می‌توانم حدس بزنم که آنها شعار «ما پیروز شدیم» را سر داده‌اند. هر نشانه‌ای از افراطی گرایی، تفرقه، ترس، نژادپرستی و غریبه هراسی آنها را دلگرم‌تر خواهد کرد. آنها جذب هر زشتی و بدقوارگی در رسانه‌های اجتماعی می‌شوند.

در جهان بینی آنها یک باور اصلی وجود دارد و آن اینکه در جوامع مختلف مسلمانان جایی ندارند و پذیرفته نیستند و هر روز شاخک آنتن‌های خود را تیز می‌کنند تا شواهدی برای اثبات این باور خود پیدا کنند. تصاویری از مردم آلمان که به مهاجران خوش‌آمد می‌گفتند، بطور قطع باعث ناامیدی و به دردسر افتادن آنها شد. مدارا و وحدت، چیزهایی نیستند که آنها علاقه به دیدنش داشته باشند.

طرح: هانی انصاری / ایران

اما چطور باید واکنش نشان داد، من می‌گویم که باید مسئولانه پاسخ داد. این به معنای این نیست که فقط به بمباران بیشتر آنها روی آوریم. بمباران خود نشانه‌ای از خشم افراطی است. ما می‌خواهیم داعش را از بین ببریم، اما آیا به ۵۰۰ هزار ساکنان غیر نظامی‌ای که در رقه زندگی می‌کنند، فکر کرده‌ایم؟ آیا به امنیت آنها فکر کرده‌ایم؟ آیا به این فکر کرده‌ایم که در صورت بدتر شدن اوضاع زندگی‌شان ممکن است هر یک از آنها به یک افراطی تبدیل شوند؟

اولویت نخست باید محافظت از این افراد باشد، نه بمباران بیشتر سوریه. ما نیازی به مناطق پرواز ممنوع نداریم. مردم سوریه هم‌اکنون بیشتر از هر زمان دیگری امنیت می‌خواهند. اگر این امنیت برای آنها فراهم نشود ممکن است به داعش بپیوندند یا به افراطی گری روی آورند. بعد از انتخاب جاستین ترودو، کانادا از جنگ هوایی کناره‌گیری کرد. من عاجزانه از فرانسه تقاضا دارم که این کشور هم این کار را انجام دهد. واقعیت این است که ما گیرافتاده‌ایم: داعش ما را گیرانداخته است. آنها با کلاشینکوف وارد پاریس شدند و ادعا کردند که می‌خواهند ما از بمباران دست برداریم، اما همه‌شان می‌دانستند که این کارشان باعث خواهد شد بمباران‌ها بیشتر از قبل شود.

اموازی در حمله هوایی ائتلافی کشته و مرگ او در پارلمان فرانسه جشن گرفته شد. من برای او عزاداری نمی‌کنم. اما گمان می‌کنم که داعشی‌هایی مثل اموازی همواره از بلوف دوپهلو استفاده می‌کنند. به این معنی که آنها دقیقاً همان کاری را که می‌خواهند انجام شود در قالبی فریبکارانه به ما القا می‌کنند.

بعد از قتل روزنامه نگار امریکایی، جیمز فلوی، جان جهادی چاقوی خود را به سمت دوربین نشانه گرفت و سپس به سمت قربانی دیگر چرخاند و گفت: «اوباما، باید از دخالت در خاورمیانه دست‌برداری وگرنه او را خواهم کشت». او بخوبی می‌دانست که سرنوشت قربانی بعدی او چه خواهد بود. او همچنین واکنش امریکایی‌ها را بخوبی می‌دانست. او می‌دانست که بعد از دیدن این ویدئو، امریکایی‌ها به بمباران بیشتر مقر داعش خواهند پرداخت. ولی همه ما تصور کردیم که او واقعاً می‌خواهد بمباران‌ها متوقف شود. و این همان چیزی است که داعش می‌خواهد: بمباران بیشتر. آیا ما باید چیزی که می‌خواهد را به او بدهیم؟

من با اطمینان این را می‌گویم که آنچه داعش می‌خواهد بمباران بیشتر از سوی نیروهای ائتلافی است و آنچه از آن هراس دارد، وحدت و یکپارچگی است.

منبع: Guardian

داعش نمی‌تواند پیروز شود اما ما می‌توانیم ببازیم

تکفیری‌ها تنها زمانی برنده می‌شوند که ما احساساتی شویم، بنابراین نباید این کار را بکنیم

ازرا کلین
مترجم: نازی نشرودی

بیایید به جای آنکه در ترس و وحشت غرق شویم و فکر کنیم داعش چه کارهایی می‌تواند انجام دهد، به این فکر کنیم که داعش چه کارهایی نمی‌تواند انجام دهد. داعش نمی‌تواند به پاریس حمله کند. داعش نمی‌تواند یک حمله هوایی علیه ایالات متحده ترتیب دهد. داعش نمی‌تواند مناطقی را که تحت اشغال درمی‌آورد برای طولانی مدت در اختیار خود نگه دارد. ویل مک کانتس که کارشناس داعش است می‌گوید: این گروه حدود ۴۰ درصد از قلمرو خود را طی یک سال اخیر از دست داده است. حملات تروریستی در فرانسه، بلژیک، آلمان و انگلیس ترس زیادی را ایجاد کرد. اما نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که به‌عنوان مثال تعداد امریکایی‌هایی که در هفت روز به خاطر تیراندازی در امریکا کشته شدند، بیشتر از کشته‌های حملات داعش به پاریس بود.

«تروریسم جنایتی علیه ذهن است»، این را کارشناس امنیتی، بروس اشنیر، بعد از انفجارهای دوی ماراتن بستون به من گفت. او گفت: «پیامی که حملات تروریستی به شما می‌دهند این است که شما امنیت ندارید و دولت نمی‌تواند از شما محافظت کند.»

ترس باعث می‌شود انسان‌ها شبیه به موجوداتی احمق شوند و به همین نسبت کشورها به موجودیت‌هایی احمق تبدیل می‌شوند. و سلاح واقعی داعش نیز ترس است. داعش نمی‌تواند امریکا یا فرانسه را در میدان نبرد شکست دهد. داعش نمی‌تواند ناوهای هواپیمابر یا جت‌های ما را از بین ببرد یا از آنها علیه خودمان استفاده کند. این گروه فقط می‌تواند باعث شود ما بشدت دچار هراس و وحشت بشویم و بواسطه این وحشت، کاری احمقانه از ما سر بزند، که در نهایت این کار احمقانه در جهت تأمین منافع داعش خواهد بود یا به خودمان لطمه می‌زند.

داعش فقط زمانی موفق خواهد شد که ما، به خاطر حس انتقامجویی و وحشت ناشی از حملات بیشتر چشمانمان کور شود و به او در رسیدن به اهدافش کمک کنیم. این کار به دو طریق می‌تواند انجام شود که یکی از این دو راه همین حالا هم در جریان است. نخست اینکه: رفتار افراطی با پناهجویان همان چیزی است که داعش می‌خواهد. زک بیچامت در این باره می‌نویسد: «داعش پناهجویان سوری را تحقیر می‌کند. این افراد خائنین به خلیفه شناخته می‌شوند. در واقع با ترک خاک سوریه این افراد به خلیفه پشت می‌کنند. داعش قلمرو خود را همچون یک بهشت بازنمایی می‌کند و فرار پناهجویان از این قلمروها ثابت می‌کند که بهشتی در کار نیست. اما اگر حتی پناهجویان فرصت فرار از سوریه را پیدا کنند، به نفع داعش خواهد بود که غرب از آنها به بدترین شکل ممکن استقبال کند. روایت داعش از غرب، که تلاش می‌کند آن را دشمن مسلمانان جلوه دهد، بیشتر تقویت می‌شود و به این ترتیب راحت‌تر از میان پناهجویان ناراضی عضوگیری خواهد کرد.»

پذیرش روایت داعش از غرب نه تنها به شکلی معنوی به نفع این گروه خواهد بود بلکه به شکلی ملموس نیز از آن بهره خواهد برد. دیوید گارتنستین-راس، یک مقام ارشد در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، می‌گوید: «داعش می‌تواند از میان جمعیت پناهجویان معترض عضوگیری کند. این شیوه بازی آنها در سال ۲۰۰۵ و زمانی بود که آنها را با عنوان القاعده در عراق می‌شناختیم. آنها به شیعه‌ها حمله می‌کردند و سپس سنی‌ها را در سختی قرار می‌دادند و بعد به‌عنوان مدافعان سنی‌ها وارد شده و از میان آنها عضوگیری می‌کردند.»

عکس: Irishnews

■ **داعش چطور از جنگ سود می‌برد**

اگر به لفاظی‌های داعش گوش داده باشید، می‌بینید که این گروه از حملاتی که علیه آن صورت می‌گیرد بسیار عصبانی است. داعش می‌خواهد پیروان خود را متقاعد کند که رهسپار جنگی مقدس برای دفاع از اسلامی که آنها مدعی آن هستند، کافران را بکشند و به برپایی یک خلافت باشکوه کمک کنند. اما آنچه دریافت می‌کند بمباران‌های بیرحمانه هوایی است.

مطلوب‌ترین وضعیت ممکن برای داعش زمانی است که کسی در امورش مداخله نکند و بتواند دولت خود را تشکیل دهد. اما اگر قرار باشد این اتفاق نیفتد، کشیدن پای غرب به جنگی بی‌پایان به روی زمین آن هم در قلب جهان اسلام، گزینه مناسبتری برای ترغیب جوانان به پیوستن به داعش است تا اینکه از آنها دعوت کند و بعد همگی دور هم بنشینند و منتظر باشند از هوا بر سرشان بمب ریخته شود. در واقع شانس مبارزه با کافران برای دفاع از سرزمین، خیلی جذاب‌تر از شانس کشته شدن توسط تکنولوژی برتر است.

گارتنستین-راس می‌گوید: «به‌همین دلیل وارد کردن نیروهای پیاده به سوریه در واقع، به طور ناخواسته، کمک کردن به داعش برای رسیدن به اهدافش است». امریکا مدعی است که غرب نه تنها با داعش بلکه با اسلام افراطی در جنگ است و این همان طرز فکری است، که به عقیده بسیاری از کارشناسان، به نفع داعش است. چرا که این طرز فکر در واقع باعث می‌شود مسلمانان در جامعه امریکا احساس بیگانگی کنند و داعش به جای آنکه گروهی اراذل و اوباش قرون وسطایی، قاتل و شیاد معرفی شود، خود را طرفدار و مدافع اسلام و مسلمانان جا می‌زند.

اشنیر می‌گوید: آسیب اولیه تروریسم، آسیب احساسی است. اینکه این حمله تروریستی تا چه اندازه موفقیت‌آمیز بوده هیچ ارتباطی با خود حمله ندارد. موفقیت یک حمله تروریستی به واکنش ما بستگی دارد. ما نباید اجازه بدهیم که ما را بترسانند. تصور کنید که بمب‌ها در لحظه آخر و قبل از انفجار پیدا می‌شدند و خنثی می‌شدند و هیچ کسی هم آسیبی نمی‌دید، اما قطعاً همچنان هر کسی به همین اندازه دچار وحشت می‌شد. به هرحال حتی اگر کسی هم کشته نمی‌شد، تروریست‌ها به همین اندازه موفق می‌شدند. در واقع زمانی که شما بترسید، آنها برنده شده‌اند. اگر شما نترسید، آنها بازنده‌اند و اصلاً مهم نیست که کار غیر انسانی آنها باعث از دست رفتن جان چند نفر شده باشد.

داعش قوی نیست. آنها ضعیف هستند. این به این معنی نیست که آنها خطرناک نیستند، یا اینکه نمی‌توانند به ما صدمه بزنند. اما ما نباید تظاهر کنیم که آنها ابرقهرمان‌های شکست‌ناپذیر هستند. آنها جنایتکار هستند و وارد جنگی شده‌اند که برنده‌اش ما هستیم و بازنده‌اش آنها. بخشی از توانایی آنها در سربازگیری به همین موضوع برمی‌گردد که آنها تظاهر می‌کنند برنده این جنگ هستند و قوی و اینکه غرب را به زانو درآورده‌اند. ما نباید به فانتزی‌های آنها دامن بزنیم. ما می‌توانیم برای قربانیان آنها سوگواری کنیم بدون آنکه تبلیغات آنها را باور کنیم. راس می‌گوید، آنچه هرگز نباید درباره داعش فراموش کنید، این است که داعش نه تنها در مقایسه با غرب ضعیف است بلکه در سراسر خاورمیانه هم منفور است.

«امریکا در خاورمیانه چندان محبوب نیست، اما عدم محبوبیت داعش در این منطقه بسیار بیشتر از امریکاست. آنها به هیچ عنوان در میان مردم خاورمیانه خوشنام نیستند. بنابراین بخشی از کاری که نیاز است انجام دهیم این است که خیلی ساده اشتباه نکنیم و اجازه ندهیم داعش خود را مدافع مسلمانان معرفی کند. ما باید کاری کنیم که مسلمانان به طرد داعش به صورت گسترده ادامه دهند.»

منبع: Vox

نگاه

پیام گوین دایر؛ از داعش نترسید

بهای اندک زندگی در قرن خطرناک

مانورا فارست و مانو لیوزا مک‌نامارا
مترجم: ومال روحانی

پیام بزرگ گوین دایر که یک روزنامه‌نویس و تاریخ نگار امریکایی است در کتاب تازه‌اش تحت عنوان «هول نشوید» این است که نباید از داعش ترسید ولی این شعار از سوی برخی‌ها قابل هضم و باور کردن نبوده است. پس از حملات تروریستی مخوف داعش در پاریس، بروکسل و همچنین در سطح هلند و انگلیس و اقدامات انتحاری آنها این باور به وجود آمده که پیام مرگ داعش غیر قابل مهار است.

دان لانگ سناتور امریکایی نیز یورش‌های داعش را ناقض اصول آزادی و ارزش‌های انسانی برشمرده است اما اینها را به گوین دایر نگویید زیرا او به طور کلی معتقد است جهان تسلیم این امواج تندرو نخواهد شد. او می‌گوید حملات داعش و پیامدهای آن بخشی از بهای طبیعی است که بشر باید بابت زندگی در قرن خطرناک بیست و یکم بپردازد. وی می‌افزاید: نباید سراسیمه شد زیرا این همان خصلتی است که داعش دوست دارد در مردم شوکه شده از حملات تروریستی آنها ببیند. مردم باید خود را حفظ کنند و پس از هر فاجعه احتمالی برای زندگی راحت‌تری در آینده آماده شوند زیرا هر قربانی که داعش می‌گیرد عمر خودش را کوتاه و زمینه پذیرش مردمی این سارقان مخوف تروریستی را کمتر می‌کند.

■ **جنگ روی زمین ممنوع**

دایر می‌گوید مبارزه با داعش را نباید تنها روی زمین و در عرصه جنگ رویارویی پی گرفت. زیرا آنها محل زیست خود را بهتر از مخالفان خویش می‌شناسند. وی اظهار می‌دارد: پس از واقعه ۱۱ سپتامبر برآوردهای غلطی از سوی نیروهای غربی صورت گرفت. آنها تصور کردند اگر به خاستگاه نیروهای تندرو هجوم ببرند آنها ریشه‌کن خواهند شد اما وسعت حضور و ریشه قوی آنها در منطقه (خاورمیانه) فقط باعث فرسایش بیشتر نیروهای غربی به سرکردگی امریکای پر اشتباه شد.

■ **نقش عظیم غرب در پیدایش داعش**

دایر همسو با بسیاری از نظریه پردازان غربی معتقد است غربی‌ها همان قدر در پردازش سازمان‌های جهنمی مانند داعش و القاعده دخیل بوده‌اند که دولت‌هایی مانند عربستان در تسلیم این سازمان‌ها سهیم بوده‌اند. دایر می‌گوید: سؤال بزرگ من این است که چرا باید به جنگ داعش برویم. این

عکس: PA

وظیفه گریزناپذیر نیروهای منطقه است و بهتر است خود آنها این قسمت قضیه را درست کنند و نه ما.

بسط تروریسم در منطقه به حدی است که حتی اگر غیر ممکن، ممکن و داعش ریشه کن شود، این تضمینی بر پایان حرکات تروریستی در سطح جهان نخواهد بود. پیشتر هم این گونه حرکات بود و در آینده هم کم و زیاد خواهد بود. بهتر است غربی‌ها امنیت محل زندگی خود را بالا ببرند و به سوریه و افغانستان و عراق نروند. زیرا بردی در آنجا در انتظارشان نیست. اگر غربی‌ها وارد کارزار موجود در خاورمیانه شوند فقط خودشان را در دریای خون غرق خواهند کرد.

■ **مقابله به‌مثل**

دایر معتقد است انگیزه‌های داعش برای حملات کور به غربی‌ها پس از اوجگیری در سه چهار سال اخیر به ناچار رو به کاهش خواهد رفت. زیرا بخشی از اهداف آنها را برآورده نکرده است و اگر مطمئن شوند، غرب به روی آنها آتش نگشوده است، آنها نیز سلاح‌های خود را به سوی غربی‌ها نخواهند گرفت. وی همچنین می‌گوید: داعش یک سازمان ضد انسانی است که باید سرکوب شود اما جنگیدن با آنها روی زمین اشتباه بزرگی است. البته غربی‌ها چون خودشان داعش را ساخته و تقویت کرده‌اند، راه‌های نابودسازی آن را هم می‌شناسند اما بر اثر تجهیز چشمگیر داعشی‌ها آنها نیروی ویران‌کنندگی چشمگیری پیدا کرده‌اند.

■ **غربی‌ها را چه کار به داعش؟**

منتقدان حرف‌های دایر و مخالفان وی می‌گویند اگر قرار باشد کاری به کار داعش نداشته باشیم، آیا این مقدمات تجهیز بیشتر آنها نیست؟ اما دایر معتقد است: داعش از یک سطح معین عبور نخواهد کرد و حتی بخشی از خاک‌های تصرف شده توسط خود را در یکی دو سال اخیر از دست داده است اما لازمه کم تأثیر کردن داعش و همین طور القاعده سپردن آنها به دست خودشان و دولت‌ها و سایر نیروهای منطقه است. اگر غربی‌ها جزئی از زندگی سیال داعش نباشند، داعش هم دلیلی برای تقابل با آنها نخواهد داشت.

نظرات دایر در شرایطی در سطح اروپا بسط یافته که ترس ریشه‌ای و اساسی از این سازمان پلید دایماً در حال افزایش است و ایرلندی‌ها که سال‌ها به سبب فعالیت گروه سیاسی «IRA» (ارتش جمهوریخواه ایرلند) و شاخه نظامی آن با ترور و خون و مرگ آشنا هستند، می‌پندارند که پس از انفجارهای اخیر شهر منچستر لابد قربانیان بعدی این روند هستند و می‌کوشند تدابیر بازدارنده لازم را به کار گیرند. روی در و دیوارهای شهر دوبلین، پایتخت ایرلند جنوبی که به لطف «IRA» سال‌ها پیش از قید حکومت سلطنتی انگلیس رها و به یک جمهوری تبدیل شد و همین طور شهر بلفاست ایرلند شمالی همچنان با دولت مرکزی لندن چالش دارد، انواع شعارها پیرامون داعش نقش بسته و روح مشترک آنها ترس از دیوانگانی است که هیچ منطق روشنی را در ارتباط با اقدامات تروریستی‌شان ندارند.

■ **حتی در مراکز جنایت**

موضوع وقتی جالب‌تر و حساس‌تر می‌شود که در نظر بگیریم حتی در کشورهای جنایت خیز مانند برزیل، آفریقای جنوبی و البته کلمبیا هم از اقدامات داعش بیم دارند و آن را یک عامل بشدت نگران‌کننده می‌دانند. ایجاد ترس از مسلمان و اقدامات آنها در اروپا در حالی در دستور کار دولت‌های غربی قرار گرفته که آمار به وضوح می‌گویند که از ۱۰ واقعه انفجار بزرگ سال‌های اخیر در سطح امریکا فقط در یکی می‌شد رد پای مسلمانان را یافت و آن یک مورد هم مربوط به داعش و القاعده نبود. به‌واقع ترس در غرب نسبت به اعمال تروریستی اخیر به‌قدری شدت گرفته که پایه‌های استدلال در آن سست و گم شده و فقط نام‌ها و سابقه‌ها کافی است تا مردم درباره هر چیزی به نتیجه‌گیری نهایی برسند.

■ **برخوردهای دوگانه**

آمار و وقایع تاریخی خلاف این را می‌گویند زیرا مشکل سازترین گروه و افراد در جامعه امریکا مسیحیان تندرو و شاخه‌هایی از این مذهب هستند که اعتقادات خاصی را دارند و بر همان اساس اقدام می‌کنند. یکی از نمونه‌های بزرگ آن بمب‌گذاری در محل شهرداری اوکلاهما در سال ۱۹۹۵ بود که ۱۶۸ کشته برجای نهاد ولی حتی آن مسأله نیز سبب نشد مردم امریکا و غرب ایرادی را به آیین مسیحیت وارد بدانند. اما در تضاد با آن نوع برخورد امروز می‌کوشند اسلام‌گرایی را عامل مؤثری برای ناآرام‌سازی جوامع غربی توصیف کنند. این برخورد دوگانه‌ای است که بدون شک وجاهت رفتاری و صلاحیت نقد اجتماعی را از غربی‌ها می‌گیرد بخصوص که داعشی‌های بازداشت شده یا کشته شده در بروکسل، آمستردام، پاریس، برلین و لندن نه اعراب و اتباع کشورهای خاورمیانه، بلکه مردمان همین کشورهای اروپایی بوده‌اند.